



و همین انگیزه باعث شد آهسته‌آهسته گام در وادی ترجمه نه‌د. خواندن اقتصاد هم البته به او کمک کرد تا در این زمینه بیش از ده اثر ترجمه داشته باشد، که در نوع خود آثار بی‌همتایی هستند. بعد از مدتی به ویراستاری پرداخت و برای مدت کوتاهی به لندن رفت. بعد از مراجعت، تمام هم و توان خود را روی ترجمه گذاشت.

عبدا... کوثری به سال ۱۳۵۳ در همدان دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در همان شهر با موفقیت به پایان برد. علاقه به ادبیات از کودکی در او موج می‌زد، ولی کنجکاوی، علاقه و عشق به علوم انسانی او را برآن داشت تا در دانشگاه، رشته اقتصاد را انتخاب کند؛ البته تا زمانی‌که اقتصاد می‌خواند، هنوز عاشق ادبیات بود

مستند پرتره استاد عبدا... کوثری از شبکه ۴ سیما

زندگی حرفه‌ای استاد عبدا... کوثری از قاب «حکایت دل» شبکه چهار سیما، امروز ۱۴تیرماه مصادف با روز قلم، ساعت ۲۱ پخش خواهد شد. به گزارش روابطعمومی برنامه، فیلم مستند «لذت نوشتن» به زندگی استاد عبدا... کوثری، مترجم و نویسنده صاحب سبک، شاعر و ویراستار اختصاص دارد.

میراث بزرگان

می‌کنم باید دلگرمی بیشتری برای راحت نوشتن وجود داشته باشد. من به عشق همکارانم و مردم کار می‌کنم و تا به حال درباره دستمزد حرف نزدم. چون می‌دانم آقای قدوسیان تمام تلاش خود را می‌کند.

محبی: من افتخار داشتم با استاد میرزایی پیش یک مقام عالی‌رتبه کشور رفتم و من به توصیه دوستان حدود ۱۰ دقیقه برنامه اجرا کردم. ایشان فرمودند طنز یعنی این! درواقع چراغ سبز نشان دادند که به کار ما توجه بیشتری شود اما بعد از آن از طرف مدیران توجهی نشد. به نظر من این‌که برخی‌ها می‌گویند رادیو دیگر شنونده‌ای ندارد حرف بیخودی است. چون شبکه نسیم پرگرده همین رادیویی‌ها به مدت پنج ماه پیش آمد و برنامه‌هایش پرمخاطب شد. دوستان حاضر بودند، حتی آقای مقدم هم در کسوت مجری پلا تو می‌گفت و از شعرهای خودش می‌خواند. با نشان دادن اجراهای ما در کنار برنامه‌های آرشویی چون جنگ هفته و... این شبکه جان گرفت. حالا کسان دیگری دارند در آنجا اجرا می‌کنند. من دهه ۶۰ و زمانی که تهران در جنگ موشک می‌خورد به مدت دو سال، برنامه‌ای شبیه دورهمی اجرا می‌کردم که اسمش جنگ هفته بود. تالار وحدت کاملاً پر از جمعیت بود. مثل برخی از افراد که الان هستند، پول هنگفت نمی‌گرفتم. میسر خنده هم نداشتم که به جمعیت بگوید به فلان قسمت بختید. همه چیز زنده بود و تماشاگران روده‌بر می‌شدند.



البته مادر این کار به مردم تعلق داریم و به خاطر آنها باید ادامه داد. **محبی:** درست است. ما مدیونیم. این برنامه متعلق به مردم است. رادیو، جزو معجزات رسانه‌ای است. رادیو در برابر تلویزیون یک معجزه است. رادیو، روح تلویزیون است. وقتی یک خانم درحال تماشای سریال تلویزیونی است و بلند می‌شود به غذایش سر بزند از آن به بعد تلویزیون برایش مثل رادیو می‌شود. از آن به بعد کارگردان سریال، آن خانم است. با ذهنش دارد دکوپاژ می‌کند. این یعنی معجزه.

غالب شما سال‌هاست همراه این برنامه بودید. چقدر

احساس می‌کنید باید حافظ این میراث باشید؟

حجت: من عاشق این گروه هستم و مدتی که آنها را نمی‌بینم دلم برایشان تنگ می‌شود. همه استادان من هستند. برای همین ادامه می‌دهم.

نسیم رفیعی، گوینده: من هم همین‌طور هستم. به

نظم خوب می‌شد اگر بیش از این تشویق می‌شدیم و کارمان مورد توجه قرار می‌گرفت. این هنرمندان نور چشم مردم هستند و به خاطر آنها به برنامه می‌آیند و در این مدت بسیاری از آنها دچار کرونا شدند.

داوود منفرد، بازیگر: دوستانی که در این برنامه فعالیت می‌کنند سابقه ۶۰ساله دارند، عاشق کارشان هستند و خط قرمزها را خیلی خوب می‌شناسند. باید به آنها دلگرمی داد. نویسندگان برنامه همان نویسنده‌های جمعه ایرانی هستند ولی گاهی سؤال پیش می‌آید که چرا کیفیت دچار تغییر شده است؟ فکر

آقای میرزایی گفتند جو حاکم بر این برنامه متفاوت است و شما را تبدیل به یک خانواده کرده. آقای محبی، چگونه این فضای صمیمی ایجاد شده و باعث می‌شود پس از سال‌ها همچنان به اجرای برنامه ادامه دهید؟

عباس محبی، بازیگر: اگر از فلان نوشابه که در سطح جهان حرف اول را می‌زند بپرسید رمز موفقیت‌تان چیست؟ شما را به صد و چند سال قبل و نسل اول سازندگان ارجاع می‌دهد. برند «صبح جمعه با شما» در رادیو حدود ۶۰ و خرده‌ای سالش است. کسانی کلنگ آن را زدند که جزو ادبا بودند. ما در نهایت به کسانی مثل ابوالقاسم حالت، مهدی سهیلی، پرویز خطیبی، حسین مدنی و... که مفاخر ادبی هستند، می‌رسیم. از نوشته‌های این افراد در رادیو استفاده می‌شده است. حتی ریشه متونی که در رادیو و برای برنامه‌های این چنینی استفاده می‌شده به زمان مشروطه می‌رسد. می‌توان بزرگان را باغیان یا معمار این برنامه دانست. عواملی که آمدند و به این باغیان روی خوش نشان دادند گل‌هایی بودند که هر کدام رنگ و بوی خودشان را داشتند. کسانی مثل هوشنگ سازگ، محتشم، عزت...، مقبلی، بهمنیار، حسین امیرفضلی، منوچهر نوذری و... که هر کدام هنر خود را داشتند و جزو سوابق و پشتوانه این برنامه حساب می‌شوند. الان هم کسانی مثل آقایان سمسارزاده، منفرد، میرزایی و... هر کدام دنیایی هستند. باوجود مشکلاتی که دوستان گفتند ما همچنان می‌آییم. چرا؟ چون دل‌مان نمی‌آید یک ساختمان ۶۵ ساله که جزو میراث حساب می‌شود، خراب شود. هر پنجره این ساختمان صاحب دارد و به ما ارث رسیده است. نمی‌شود همین‌طور رها کنیم و برویم. بعضی‌ها رفتند و پشیمان شدند. مثلاً زنده‌یاد مرتضی احمدی که من شاگردش بودم و چند سریال با او کار کردم، از این برنامه رفت. اذیت شد و رفت اما به نظر اشتباه کرد و نباید رادیو صبح جمعه با شما را می‌کرد.

شوکت حجت، دوبلور و گوینده: به هر حال آستانه تحمل آدم‌ها با همدیگر فرق می‌کند و باید دید آن فرد در چه شرایطی بوده است

تیپ‌سازی از شخصیت‌های جامعه

به‌خوبی هدایت می‌کند. **سمسارزاده:** ما هنرپیشه‌های جوانی در برنامه صبح جمعه با شما داریم که باید از همه آنها تشکر کنم. واقعا همه کسانی که با ما کار می‌کنند، نازنین هستند و پایه‌ایمان جلوآمده‌اند. **منفرد:** واقعا گروه ما بدون حاشیه به کارش ادامه می‌دهد. **غالب شما کدام‌یک از تیپ‌هایی که در این برنامه خلق کردید را دوست نسبت به آن عرق دارید؟** **حجت:** واقعا کاراکترهای شوکت و اصغر را با آقای سمسارزاده با عشق و انگیزه اجرا می‌کنیم. خیلی این شخصیت‌ها را دوست دارم. همکارانم در این برنامه را خیلی دوست دارم و معتقدم بچه‌های رادیو خیلی پاک و زلال هستند. کارم دوبله است، اما وقتی سر برنامه صبح جمعه با شما می‌آیم زندگی می‌کنم. کودک درونم که همیشه زنده است، بیشتر فعال می‌شود و شیطن می‌کند. **محبی:** خانم حجت، روان‌شناسی خوانده و بسیار اهل عرفان و کمک‌کردن به محرومان است.

سمسارزاده: به واسطه زنجیره عشق که تشکیل داده کلی موادغذایی آماده و در مناطق محروم تقسیم می‌کند. **حجت:** دوستان هر زمان که خواسته‌ام جمله‌ای برای زنجیره عشق بگویند و در فضای مجازی بگذارم با جان و دل انجام دادند. **غالب شما مردم، شما را به چه تیپ صدایی می‌شناسند؟** **رفیعی:** متأسفانه با صدای اپراتور تلفن همراه. وقتی مشترک مورد نظر در دسترس نیست، همه من را مقصر می‌دانند و فحش می‌خورم (می‌خندد). حتی در یک مهمانی خامی به من گفت من به‌خاطر صدای تو چند بار گوشی شکستم! البته جدای از شوخی، این صدا ماندگار شده است.

سمسارزاده: یک بار زنگ زدم به کسی در دسترس نبود. بعد گفتم نسیم رفیعی من هستم، وصل شو! (می‌خندد) این‌که گفتم یعنی طنز رادیویی.

بازیشان به گونه‌ای است که به من اجازه کل کل را می‌دهند. به عنوان مثال با آقای محبی همیشه یک متن اضافه هم کار می‌کنم. کار با همکاران لذت‌بخش است. همچنین وقتی خانم حجت شخصیت کودک را در برنامه صبح جمعه با شما در می‌آورد، خیلی لذت می‌برم. چون عاشق بچه‌ها هستم.

غالب شما چراغ سبز شما به لحاظ سنی کوچک‌تر هستید. با توجه به این‌که برنامه صبح جمعه با شما قدمت زیادی دارد، هنرمندان پیش‌کسوت نسبت به حضور شما گارد نمی‌گرفتند؟ **رفیعی:** من ۴۶ سال دارم و ۲۶ سال است گویندگی رادیو را انجام می‌دهم. در این جمع، آقای قدوسیان از همه جوان‌تر است. وقتی او یا من تماس گرفت، قبول نکردم و بهانه آوردم. چون شناختی از او نداشتم. تا این‌که با تکت‌تک گروه صبح جمعه با شما صحبت کردم و بعد به گروه ملحق شدم. خوشبختانه همکاری بسیاری خوبی با هم داریم. در ضمن آقای قدوسیان واقعا خیلی خوب بین همه هماهنگی به وجود آورده است. فراتر از سنش می‌داند و برنامه را



شوکت حجت، دوبلور

نسیم رفیعی، گوینده

غالب شما بازیگران خانم در آثار طنز برای تیپ‌سازی باید در چهارچوب‌های مشخص عمل کنند و طبیعی است همین‌کار را بازیگر را سخت می‌کند. شما بر این رسیدن به تیپ‌سازی ما به از داشتید؟ **حجت:** همه خانم‌ها در این برنامه متخصص هستند. من به عنوان مهمان همکاری می‌کنم و کار اصلی ما دوبله است. تیپ‌هایی را از مردم می‌گیریم. آقایان هم همین‌طور هستند. وقتی میان جمعیتی صدایی را می‌شنوند که عجیب است از آن الگو می‌گیرند و در کار استفاده می‌کنند. ما هم متناسب با شناسنامه شخصیت‌های آیتم‌های برنامه صبح جمعه با شما سعی می‌کنیم. تیپ‌سازی کنیم. به عنوان مثال من و آقای سمسارزاده در این برنامه خالق دو شخصیت شوکت و اصغر هستیم که هر کدام ویژگی‌های خاصی به لحاظ رفتاری دارند. زن مقتدر است و مرد شیطان! همین باعث می‌شود اتفاقات با نمکی میان آنها شکل بگیرد. در مجموع شناسنامه شخصیت‌ها به ما می‌گوید چطور اجرا کنیم.

غالب شما کودک را با بهره‌بردن از چه راهکارهایی در می‌آورید؟ **حجت:** ۳۷ و ۳۸ سال پیش، من در دوبله تک‌واژه صدای بچه‌ها را در می‌آوردم و بعد بقیه می‌خندیدند. این تک‌واژه‌ها به جمله رسید و بعد به جای شخصیت‌های کودک حرف می‌زدم و تیپ‌سازی می‌کردم. معتقدم باید به گونه‌ای تیپ‌سازی صدای کودک را داشته باشیم تا بچه‌ها ما را باور کنند.

رفیعی: من مجری برنامه صبح جمعه با شما هستم. تیپ‌سازی نمی‌کنم و با صدای خودم حرف می‌زنم. در گذشته که تیپ‌سازی می‌کردم از اطرافیان الگو می‌گرفتم. برای تیپ‌سازی و بعد به جای یک بچه یا خانم میانسال یا دختر جوان پر حرف صحبت می‌کردم.

غالب شما برای اجرا وابسته به متن هستید یا بداهه دارید؟ **رفیعی:** بستگی به طرف مقابل دارد. برخی عزیزان

نوذری یک‌تنه همه را خنداند

غالب شما بازیگرانی از اجراهای زنده دارید که هر کاری کرده‌باشید مردم نخندیده‌باشند؟

سمسارزاده: نوذری واقعا کارهای عجیب و غریبی انجام می‌داد که مردم را به شدت می‌خنداند. او فوق‌العاده بود. **محبی:** به یاد دارم برای اجرا به یکی از شهرها رفته بودیم و از قرار، مردم اعتصاب کرده بودند که به اجرای ما نهندند و فقط به اجرای مجری خودشان بختند. بعد آقای نوذری یک‌دفعه یک صندلی را برد روی سن و وسط گذاشت و خطاب به حاضران گفت من دلم نیامد هنرمندی ایشان را بنییم، به همین دلیل آدم و اینجا نشستم. بعد شروع کرد با میمیک وورتش بازی کردن و حرکات عجیب و غریب داشتند. همین لحظه کسانی که نمی‌خواستند بختند همه زنده زیر خنده و دیگر نمی‌توانستند خنده‌شان را کنترل کنند.

میرزایی: اگر به محروم نوذری میدان می‌دادند، یک‌تنه می‌توانست دو سه ساعت برنامه را به تنهایی اجرا کند و مردم را بخنداند.

سمسارزاده: واقعا نوذری یک مرد بزرگ بود و تکرار نشدنی.

ای گفتند که سال‌هاست به شنونده‌هایش نشاط می‌بخشد

ما تمام نمی‌شود

اده است. در این میان سال‌هاست این زمان با صداهایی همراه شده است که رسالت نشاط‌بخشی و نقد سیاسی، ویی ایران است که در این سال‌ها با اسامی‌ای مثل **جمعه ایرانی** و **حالا صبح جمعه با شما** روی آنتن رفته است. برای **محبی** و... یادآور مطایبه و کنایه است. برای **خاطره بازی** با این برنامه پرشنونده و **بررسی حال و هوای این روزهای آن**، **میرزایی**، **عباس محبی**، **شوکت حجت**، **داوود منفرد** و **نسیم رفیعی** همراه با **ساجد قدوسیان**، **تهیه‌کننده و جمشید نهاد** می‌کنیم.

صبح جمعه با شما

فقتند درک می‌کنم. یک‌بار گفتم این‌که ندارد زود بروم؟ گفت ساجد، من زمانی نیم‌ساعته تولید می‌کردم. با این دو سبک خریدم. ازدواج کردم و بچه‌هایم را لان، هفته‌ای ۶ نمایش تولید می‌کنم! ی ندارم! جوان هستم. البته نزدیک ما شان این عزیزان که اینجا هستند که راجع به ممیزی و نظارت مطرح شد، **نوری هم وجود دارد؟**

در این باره جامعه هم مقصر است. به ملی مهم نیست، ولی آن‌قدر در فضای سود که یک فاجعه می‌شود. اگر ما هم بوند چون این‌ها هم دارند درباره‌اش ی عمدا متن‌ها را دستکاری می‌کنم که لا دو شبکه تلویزیونی بود و یک رادیو.

مدام در فضای مجازی هستند و خبرها بقدر برداشت‌های غلط و خبرهای غلط را به مخاطب هم می‌گوینی می‌شوی **صبح جمعه با شما**ی قدیمی را نشنیدند و متن در شبکه‌های اجتماعی می‌کنند چه باشد.

ک نکته را زیرپوستی بیان کردند. من ب کردم. ما باید جوری حرف

جعه به چه چیزی صحبت داشته است. به آقایان نژاد، نام‌آور، سیدی گویم. بچه‌ها دیگر هیچ نباشد. آقای ع اشاره کردی در ن تا مخاطب گیج ی

مقدم: به. از جوانان هم در گروه استفاده شده است. قدیمی‌ها هم حضور دارند. جوانان قلم به‌روزتری دارند و مخاطبان جوان را جذب می‌کنند. از قدیمی‌ها، مثلاً آقای هاشمی حضور دارد که قلم قوی و زیبایی دارد. سعی می‌کنیم از هر طیفی داشته باشیم تا مخاطبان مختلف را جذب کنیم.



بیان، تهیه‌کننده